

حریم خصوصی از منظر امام خمینی و حقوق اساسی ایران با نگاه تطبیقی بر تبرج زنان

منصور شنان نصاری^۱

چکیده

زیبایی در نهاد و سرشت انسان است و از این رو آرایش و زینت همیشه مورد توجه انسان بوده و هست؛ قرآن کریم نیز در دو سوره‌ی احزاب و نور به مسئله‌ی تبرج اشاره‌ی مستقیم دارد؛ تبرج در دایره‌ی حریم و حق ذاتی هر انسان قرار می‌گیرد؛ این حق با وسایل و روش‌های گوناگونی مانند: البسه، عطرها، آرایش موهای سر و صورت و غیره انجام می‌شود. در حقیقت حق حریم خصوصی، حیطة افعال هر فردی است که چه بسا رغبتی به برملا شدن آن نداشته باشد. لکن باید دانست که هرچند تبرج حق انسان است اما تمام حقوق و آزادی‌های اشخاص مطلق و رها نیست و در واقع قانون یا عرف که حریم خصوصی را تأیید می‌کند همان نیز آن را محدود و مشروط می‌داند. برخی اصرار بر فردی بودن پوشش

^۱. دکتری فقه و اصول (مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه قم) ۱۳۵۹shanna@gmail.com

دارند و آن را موضوعی خارج از دایره حکومت و مردم جامعه می‌دانند؛ ولی این ادعا به دلایلی مردود است؛ زیرا از طرفی جدا کردن قلمرو خصوصی از عمومی در مصادیقی مقدور نیست و از طرفی دیگر اثر بخش بودن پوشش بر سلامت روانی جامعه و برخورد انتقادی با حجاب در مقررات ممالک غربی و حتی اسلامی غرب‌زده، این موضوع را مسئله‌ای اجتماعی و عمومی می‌نمایاند. تحلیل نظر امام خمینی، مفسرین و حتی برخی حقوق‌دانان بیانگر آن است که قلمرو تبرج زنان وسیع‌تر از اظهار زینت و آرایش در پوشش است و به طور کلی هر نوع جلوه‌گری زنان که زمینه‌ساز ارتکاب گناه بشود تبرج به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، تبرج، امام خمینی (رحمه الله)، حجاب، قرآن کریم، قانون اساسی.

مقدمه

واژه تبرج در قرآن به معنای جلوه‌گری زن و تظاهر به زیبایی‌های خود در مرئی و منظر عامه مردم است. معنای اصطلاحی تبرج از آیه ۳۳ سوره احزاب که خطاب به همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله) است، برداشت شده است. مفسرین، حکم مزبور در آیه شریفه را شامل جمعیت زنان می‌دانند. با توجه به ظواهر قرآنی و روایی، از طرفی تبرج محدود به زنان نیست و از طرفی دیگر منحصر به پوشش ظاهری نبوده و شامل رفتار و کردار غیرعقیف زن (خلاف وقار و متانت) هم می‌شود؛ در نتیجه احتراز از تبرج معنایی اعم از حفظ پوشش دارد. باید اضافه کرد که نه حجاب، نافی تبرج شرعی و مؤکد (تبرج زن برای همسرش) است و نه

اجتناب زن از تبرج، سبب بی‌نیازی وی از حجاب و پوشش است. در ادامه به دو آیه از آیات قرآن کریم که تبرج را تبیین کرده است، اشاره می‌کنیم:

الف) سوره‌ی احزاب آیه ۳۳ می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» ودر خانه‌هایتان بنشینید و مانند دوره‌ی جاهلیت پیشین با آرایش بیرون نیاید. به نظر می‌آید که مقصود از تبرج در آیه شریفه، نداشتن نیت جذب قلب و جان نامحرم است؛ از این رو هر نوع جلوه‌گری که مقتضی نفوذ زن در دل نامحرم شود، طبق آیه‌ی شریفه منهی عنه است. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۴۲)

ب) سوره‌ی نور آیه ۶۰ می‌فرماید: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» و زنان کهنسال که بازنشسته‌اند و توقع نکاح ندارند، بر آنان باکی نیست که جامه‌های خود (مانند: چادر و روپوش) را نزد نامحرم بگیرند و با زهم عفت (و بر نداشتن رخت) برای آنان بهتر است و خدا شنوا و (به باطن آنها) آگاه است.

پرواضح است که به حکم فقره «غیرمتبرجات» تخفیف شرعی پوشش برای پیرزنان مشروط به عدم قصد تبرج است. هم‌چنین باید دانست که آیه شریفه تبرج را مختص به زنان ندانسته است؛ بنابراین در صورت وقوع آرایش غیر حلال از مردان، گناه و جرم آنها کمتر از تبرج غیر شرعی زنان نیست، گرچه زنان به دلیل زیبایی فطری بیشتر در معرض آن هستند و بدین جهت وظیفه آنان در حفظ عفت و امنیت روانی جامعه افزون‌تر و سنگین‌تر است.

۱. مفهوم شناسی

از فنون برجسته‌ی قرآن کریم شیوه‌ی اعجاز گونه قرآن در استعمال الفاظ لسان عربی است؛ به گونه‌ای که قرآن کریم بهترین واژه‌ها را جهت ایصال کاملترین معنای مراد برگزیده و قرن‌های متمادی علمای ادبیات عرب را مسحور خویش کرده است. در بحث حاضر طرح هر یک از عناوین ذکر شده نیازمند تحقیق و تدقیق جداگانه‌ای است؛ لکن به جهت روشن شدن مفهوم حریم و همچنین تعیین مفاد و مدلول تبرج، معنای لغوی و اصطلاحی آن دو را مورد تتبع قرار دادیم، که به بیان ذیل است:

۱-۱ تعریف لغوی حریم

واژه‌هایی مانند: حرم، محرم، حرمت، حرام، إحرام و حریم از یک بُن و ریشه اند و با هم علقه معنایی دارند و همگی از ماده‌ی (ح رم) مشتق شده اند. اهل لغت بر معنای حرمت منع صاحب حریم از تصرف در آن یا حرمت تصرف دیگران در آن بدون إذن دارنده، تاکید دارند. (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۸۹۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۲۵) طریحی نیز در کتاب خود به این معنا تمایل دارد. (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۳۹)

۱-۲ تعریف اصطلاحی حریم

معنای اصطلاحی حریم با معنای لغوی آن تناسب دارد؛ فقها حریم را این‌گونه معنا کرده‌اند: «إِنَّ حَرِيمَ كُلِّ شَيْءٍ إِذَا هُوَ مَقْدَارٌ مَا يَتَوَقَّفُ عَلَيْهِ الْإِنْتِفَاعُ بِهِ» حریم هر

چیزی، مقداری است که برای انتفاع از آن چیز ضرورت دارد. (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۳۸، ص ۳۴)

۳-۱- تعریف لغوی تبرج

واژه تبرج مصدر باب تَفَعَّلُ از ریشه‌ی (ب رج) است. ابن فارس برای این ماده معنای ظهور را قائل شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۳۸) لکن برخی از اهل لغت تبرج را به معنای خودنمایی و جلوه‌گری زن در مقابل دیدگان نامحرم تعریف کرده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۲۲؛ قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۴۱)

۴-۱- تعریف اصطلاحی تبرج

در نظرات فقیهان و مفسران تعاریف متنوعی از تبرج اصطلاحی دیده می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تبرج، آشکار کردن جمال و محاسن برای نامحرم است. (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۳۰؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱۸، ص ۲۳۸)

۲. تبرج، هویدا بودن زیبایی‌های تصنعی و ظرافت‌های ذاتی زنانه است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۰۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۲۳۵)

۳. برخی گفته‌اند: خروج زن از خانه با پوششی ناتمام و نیمه عریان به گونه‌ای که جلب نظر دیگران کند، تبرج است. (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹، ص ۴۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۲۸۷)

۴. جمعی تبرج زنان را به ناز خرامیدن (تبختُر) (ابن عباد، ۱۴۱۴، ص ۲۳۰) و کرشمه کردن (تغُنْج) به گونه‌ای که موجب تحریک و تهییج شهوت مرد گردد (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۳۵) و یا چشمک زدن یا اشاره با ابرو (غَمَز و لَمَز) (ابن عباد، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۵) تعریف نموده اند. برخی دیگر از مفسرین با استناد به آیات قرآن کریم، تبرج را به شیوه‌ی راه رفتن (سوره نور، آیه ۳۱) یا سخن گفتن که همراه با عشوه گری و نازک کردن صدا باشد، می‌دانند. (سوره احزاب، آیه ۳۲)

۲. تقسیم حریم به عمومی و خصوصی

حریم به حکم عقل، عرف و شرع به عمومی و خصوصی قابل تقسیم است. برای متتبع بسیار روشن است که نگاه فلسفی و حقوقی اسلام به بزه و بزه‌کار با دیگر مذاهب و مشرب‌های دنیا کاملاً متمایز و متباین است. از نظر ایدئولوژی اسلام، انسان مرتبت رفیقی در جهان خلقت دارد. باید دانست که تعیین قلمرو حریم خصوصی از حیطه‌ی عمومی به بسیاری از مسائل فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی وابسته است و با تغییر این امور محدوده حریم خصوصی و عمومی نیز دچار تحول و دگرگونی می‌شود. در ادامه به تعریف حریم عمومی و خصوصی اشاره می‌کنیم:

۲-۱ حریم عمومی

حریم عمومی، حوزه‌ای است که در آن مسئله پنهانی نبوده و چاره اندیشی و سیاست‌گذاری در آن حق همه شهروندان است. این حوزه محدوده‌ی سلطه‌ی دولت و ملک مشترک همه شهروندان است که با پیمان و میثاق اجتماعی به وجود می‌آید.

۲-۲ حریم خصوصی

حریم خصوصی، حیثه‌ی افعال و ویژگی‌های هر فرد بوده و به همان فرد اختصاص دارد. اول بار در سال ۱۸۹۰ م مجله هاروارد، حریم خصوصی را تحت عنوان (حق تمتع از خلوت) مطرح و سپس در اعلامیه جهانی حقوق بشر سال ۱۹۴۸ م. رسمیت پیدا کرد. کارل هوسمن می‌گوید: به شیوه جای گرفتن پرندگان بر روی سیم‌های تلگراف دقت کنید، با آن که پرندگان توانسته‌اند موضوع حریم خصوصی را در میان خود حل کنند، ما انسان‌ها تنها در آغاز راه حل این مشکل قرار داریم.

۳. حریم خصوصی از دیدگاه امام خمینی

بعد از به ثمر رسیدن انقلاب ملت ایران و به دنبال درگیری‌های مسلحانه سال‌های ۶۰ و ۶۱ که مردم شاهد افراط‌گرایی بودند، امام خمینی در فرمانی تاریخی هشت ماده‌ای به جهت حفظ شأن انسان‌ها و احترام به حریم خصوصی آنها و جلوگیری از تدروی‌ها، دستورات مهمی صادر کردند که در قانونمند کردن عملکرد نهادهای انقلابی و کارگزاران دولتی و اجرایی و قضائی بسیار مؤثر بود. از دیدگاه امام حریم خصوصی هر فردی در حیثه بیان عقیده و تعیین مکان توطن و اشتغال و به طور کلی در جمیع افعال حلال، حریت و آزادی عمل دارد.

۱-۳ منش امام خمینی در رعایت حق حریم خصوصی مردم

خط مشی امام خمینی در تمامی زمینه‌ها همواره با رعایت موازین و ضوابط اسلامی بوده است. حفاظت و صیانت ایشان از حق حریم خصوصی مردم نه فقط

در مقابل افراد ناهل بلکه در برابر مسئولین لأبالی و تندرو هم کاملاً مشهود و عیان بود. در منش و سیره امام، حق داشتن حریم خصوصی یک آرمان و یک ارزش اساسی می‌باشد که در مقوله حُریت و آزادی که موهبت و عطیه ای الهی است، قرار می‌گیرد.

در واقع اعلامیه جهانی سازمان حقوق بشر در سال ۱۹۸۴ که در صیانت از حریم خصوصی منتشر شد، مؤید یک حق فطری و خدادادی بود که به دلیل گسترش روزافزون جرم و جنایت علیه زنان و کودکان و خانواده‌ها، متأسفانه بیشتر به مانند نقش بر روی کاغذ ماند و کمتر به مرحله عمل و اجرا رسید. امام خمینی بر خلاف این مدعیان حقوق بشر، حریص‌ترین فرد در دفاع از حریم خصوصی مردم جامعه بودند. امام یکی از دلایل عدم اقبال ملت به رژیم پهلوی را تضييع آزادی‌های مردم می‌دانست. مرکز ثقل اندیشه امام سعادت انسان بود و سعادت را در اجرای قوانین اسلامی که هم شادکامی دنیوی و هم تنعم را در برداشت، می‌دانستند؛ لذا می‌فرمود: «در جمهوری اسلامی ستم نیست. در جمهوری اسلامی آزادی است، استقلال است. آن چیزهایی که در طاغوت بود در جمهوری اسلامی نیست.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵ ص ۲۷۹) امام صیانت از آزادی‌های مردم را وظیفه‌ی قطعی حکومت اسلامی می‌دانست. ایشان در دیدار با کارگزاران دولتی در سال ۱۳۶۱ توصیه می‌کنند که «دولت اسلامی باید مردم را در سرمایه هایشان، در کسب شان و ... مطمئن کند. کسی که مردم را اذیت کند، تأدیب می‌شود.» (موسوی خمینی، همان، ج ۱۷، ص ۱۱۸)

۲-۳ حوزه‌های حریم خصوصی از منظر امام خمینی

از منظر امام آبروی مؤمن بالاترین مقام را داشته و هتک آن از گناهان کبیره است. (خمینی، همان، ج ۱۷، ص ۱۰۳) از نظر ایشان حریم خصوصی افراد در برگیرنده‌ی حوزه‌های ذیل الذکر است:

۱) آزادی در نطق و قلم: «در جمهوری اسلامی هر فردی از حق آزادی بیان برخوردار خواهد بود.» (موسوی خمینی، همان، ج ۳، ص ۱۷۸). ۲) آزادی در اظهار عقیده: «در حکومت اسلامی همه‌ی افراد در هر عقیده‌ای آزاد هستند.» (موسوی خمینی، همان، ج ۳، ص ۱۰۰). ۳) آزادی در محل سکونت و اشتغال. (موسوی خمینی، همان، ج ۱۷، ص ۱۰۶) از منظر فقهی امام حق حریم خصوصی از اصول و احکام مختلف اسلامی قابل فهم است، از جمله: لزوم اجازه گرفتن قبل از ورود به منزل غیر، ممنوعیت استراق سمع، حرمت تجسس و سوءظن، عدم جواز اشاعه فحشا و نظایر آن که به نوعی بر آزادی‌های فردی و حق حریم خصوصی دلالت می‌نمایند.

همچنین اکثر روایات دال بر حکم ستر^۱ با قالبی تربیتی و ارشادی بر رعایت این حق تاکید دارند. ضمن اینکه قاعده فقهی «لاضرر» نیز به گونه‌ای به بر این معنا دلالت دارد. اضافه می‌شود که در این باب، عقل نیز حجت و قابل استناد است. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۹، ص ۳۵۰) از نگاه عقل و منطق حریم خصوصی محترم است زیرا که نقض حریم خصوصی عقلاً قبیح است و از طرفی شرع به این قُبْح

^۱ ستر = ستر: در لغت به معنای پنهان کردن و پوشاندن چیزی آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۴۴)

عقلی اذعان دارد در نتیجه طبق قاعده ملازمه (کلُّ ما حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ، حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ) رعایت حریم خصوصی عقلاً و شرعاً لازم است. به عقیده‌ی امامیه حسن و قبح افعال از جمله‌ی امور عقلی است. (حلی، بی تا، ص ۲۳۵)

۴. حریم خصوصی از منظر حقوق اساسی ایران اسلامی

جالب است که بدانیم احکام و مقررات خداوند متعال بسیار قبل از رژیم های حقوقی برای حریم خصوصی انسان ارزش قائل بوده و برای حفظ آن از تعدی، قوانینی را امر فرموده است. در اسلام و حقوق اساسی ایران - که قطعاً از قوانین شریعت اسلامی الهام گرفته است - حق را برای هر فردی یک امر فطری و محترم می داند. گرچه حریم خصوصی و یا تبرج، حق قطعی است؛ لکن همانطور که قبلاً بیان شد حقوق در هیچ کشوری کاملاً رها و بی قید نیستند؛ بنابراین در قوانین جمهوری اسلامی نیز در ماده ۴ قانون، نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است، مصوب ۱۳۶۵ آمده است: «کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و محاکمه شده و حسب مورد به یکی از کیفرهای مذکور در ماده ۲ (تذکر و ارشاد یا توبیخ و سرزنش و ...) محکوم می شوند.»

این شیوه ورود قانون را نباید دست اندازی به حقوق مدنی شهروندان دانست؛ بلکه دفاع از ساحت عفت عمومی و ارزش های حاکم بر جامعه دینی است. و ایضاً تصویب قانون حیثیت، جان، مسکن در اصل ۲۲، عقاید در اصل ۲۳ و یا قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب در سال ۱۳۸۳

همگی در راستای تلاش قانون‌گذار در شناسایی حق حریم خصوصی شهروندان می‌باشد.

۵. بررسی دیدگاه‌های نظری

در تاریخ معاصر ما کشف حجاب توسط رضا پهلوی در تاریخ ۱۳۱۴ نمونه‌ای عیان از تعدی به حریم پوشش اشخاص بود که با مقاومت مردم و مخالفت روحانیون و سقوط دولت رضا شاه به نتیجه نرسید. اکنون این شبهه مطرح است که آیا تبرج و پوشش مرتبط به حریم خصوصی است یا به حوزه عموم جامعه راجع است؟ بعضی با اصرار بر شخصی بودن حجاب آن را بحثی راجع به حریم خصوصی می‌دانند که ذاتاً از دایره حکومت و مردم جامعه خارج است این مدعا بر پایه دلایلی مانند اینکه حجاب جهت حفظ عزت و احترام زن و همچنین حفظ او از نگاه ناپاک دیگران تشریح شده و در نتیجه منفعتی شخصی دارد، بنا شده است.

در جواب باید گفت که: اولاً: حجاب برای عموم جوامع حتی غیرمسلمان مصلحت و منفعت دارد؛ زیرا رعایت پوشش مناسب زن در جامعه موجب آسایش روانی انسان‌ها و تحکیم روابط عاطفی در زندگی خانوادگی و در نتیجه استحکام و ایمنی جامعه از سلطه شهوات می‌شود و در مقابل نبود پوشش شایسته برای زن کاملاً در تضاد با فوائد فوق‌الذکر خواهد بود. ثانیاً: عزت و احترام در شیوه رفتار و کردار انسان با دیگران محقق می‌شود و امری است که به کُنش و واکنش‌های افراد بستگی دارد و حجاب به عنوان یک هنجار اجتماعی از این قاعده مستثنی نیست. ثالثاً: شیوه برخورد دیگران با پوشش منحصر به سوژه بدحجاب نیست؛ بلکه بدحجابی یک فرد جرأت‌گستاخی و جسارت به دیگر زنان را از سوی افراد بی

بند و بار مهیا می‌کند؛ پس می‌توان گفت: حجاب یک واقعیت دینی است که تابع خاص و علاقه افراد نبوده و همواره باید خیر و صلاح آنها بر دیگر امور مقدم دانست و جامعه را با این واقعیت آشنا و به آن ترغیب کرد.

۱-۵ نگاه قرآن به حریم و حجاب

پرواضح است که رعایت حجاب شرعی مصلحت جمعی برای جامعه دارد؛ زیرا باعث تحقق آرامش روانی شهروندان جامعه و تحکیم رابطه خانواده‌ها و حفظ آن از سلطه غرایز جنسی می‌شود و فقدان حجاب شرعی نقطه مقابل آثار فوق است. در موضوع وجوب حجاب قرآن کریم در سوره نور می‌فرماید: و به زنان مؤمن بگو چشمهای خود را (از نگاه شهوت آمیز) فرو گیرند و دامان خویش را مستور کنند و زینت خود را نمایان ننمایند و روسری های خود را بر سینه بگسترند و زینت خود را ظاهر نسازند... و هنگام راه رفتن پاهای خود را بر زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود. (سوره نور، آیه ۲۹-۳۱)

از نگاه استاد شهید مطهری این آیه حاوی دو مطلب مهم است: وجوب ستر عورت (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۲۴۳) و لزوم آشکار نساختن آرایش و زیور (جز به محارم خود). (مطهری، همان، ص ۲۲۲) به طور قطع اگر تبرج بدون حجاب همراه شود منجر به اشاعه فحشا می‌شود؛ قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» آنان که دوست دارند که در میان اهل ایمان کار منکری اشاعه و شهرت یابد آنها را در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود. (سوره نور، آیه ۱۹) لذا قرآن کریم تکلیف

سنگین حجاب را بر دوش زنان نهاده و اوامری در این باب در سوره احزاب خطاب به زنان مطرح فرموده که به بیان ذیل است:

الف) آیه ۳۲ «یا نساء النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيْطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» ای همسران پیامبر! شما هم چون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوی پیشه کنید پس به گونه‌ای شهوت انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما مطمع کنند، و سخن شایسته بگویند و در خانه‌های خود بمانید و هم چون دوران جاهلیت نخستین آرایش و زینت نکنید.

ب) آیه ۵۳ «و إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ... يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» و هنگامی که چیزی را از آنان (ازواج پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید این کار برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر است... ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مؤمن بگو جلباب‌ها (روسری‌های بلند) را بر خود پهن کنند این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است که خداوند همواره آمرزنده بسیار مهربان است. قرآن کریم حریم و حجاب را دو روی یک سکه می‌داند نه در تناقض هم؛ زیرا حریم وقتی معنای درست خود را پیدا می‌کند که حریم دیگر افراد جامعه هم رعایت شود این نگاه عقلایی قرآن کریم همواره مورد استقبال بشر و خصوصاً انسان مدرنیته نبوده و حتی گاهی مورد هجمه و دشمنی قرار می‌گیرد؛ برخورد خشونت آمیز با نوع پوشش انسان‌ها خصوصاً در مورد زنان در برخی کشورها همچون

فرانسه یکی از این موارد است که مع‌الأسف به قوانین جنجال برانگیزی نیز ختم شده است. اگر حجاب منحصراً یک امر فردی است، پس به کدامین دلیل دولت‌ها در آن دخالت دارند؟! به گونه‌ای که این موضوع به قانون در فرانسه تبدیل و در آن مقرر می‌شود که: با توجه به اصل لائیسیته (دخالت نکردن دین در امور دولتی) داشتن نشانه یا پوششی که بیانگر تعلق دینی شخص باشند در مدرسه‌ها، کالج‌ها و دبیرستان‌های دولتی ممنوع است. (قانون شماره ۲۲/۲۰۰۴، ۱۵ مارس ۲۰۰۴)

۲-۵ تبرج و حجاب در نگاه فقهی امام (رحمه الله)

امام در جایگاه فقهی متأله با تقید راسخ به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) مسائل را تحلیل می‌کند؛ ایشان با استناد به آیات ۳۰ تا ۳۱ و ۵۹ تا ۶۱ از سوره نور و آیات ۵۳ تا ۱۳۳ و ۵۹ تا ۶۰ از سوره احزاب تبرج غیر حلال را نکوهش و حجاب را برای زنان واجب می‌دانند. گرچه بر اساس فتوای امام و اکثر مراجع عظام تقلید گردی صورت (آن مقدار که در وضو شسته می‌شود) و دست‌ها از سر انگشت‌ها تا مچ از وجوب پوشش استثنا شده است؛ لکن آن دو قسمت را با شرط عدم وجود مفسده و نداشتن زینت و آرایش استثنا کرده‌اند. امام در جواب استفتائی، حدود حجاب و تبرج برای زنان را این‌گونه بیان می‌فرماید: سطر تمام بدن غیر از وجه و کفین واجب بوده و اگر لوازم آرایشی و معطر کردن موجب فتنه و مفسده می‌شود، باید پرهیز نماید؛ بلکه بزک کردن خود مطلقاً جایز نیست. (موسوی خمینی، ۱۳۹۵، ج ۸، ص ۵۳۹، س ۱۰۰۱۷) امام لباس شهرت را مردود و شرایط زیر را در لباس بیرونی الزامی می‌دانند:

۱) بدن را به مقدار کامل بپوشانند. ۲) خیلی نازک نبوده و بدن نما نباشد. ۳) از نظر حجم طوری باشد که برجستگی‌ها و برآمدگی‌های بدن را بپوشانند. ۴) مروج فرهنگ ابتدال و یا فرهنگ دشمنان نباشد. امام در دیدار با بانوان می‌فرماید: حجاب با آزادی منافاتی ندارد. در اسلام زن باید حجاب داشته باشد؛ ولی لازم نیست که چادر باشد؛ بلکه می‌تواند هر لباسی را که حجابش را حفظ کند اختیار کند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۵۴۱ و ۲۹۴) ما جلوی زنان جوانانی را که وقتی آرایش می‌کنند یک فوج را به دنبال خود می‌کشاند، می‌گیریم. (موسوی خمینی، همان، ج ۱۰، ص ۱۰۳)

حجاب برای حفظ ارزش‌های زن است تا به دست وسوسه‌های شیطنی و فاسد استعمار پایمال نشود. (موسوی خمینی، همان، ج ۱۹، ص ۱۸۵) در پایان می‌توان نتیجه گرفت که طبق بیانات و فتاوی‌ای امام به طور کلی هر نوع جلوه‌گری برای نامحرم مصداق تبرج بوده و جایز نیست؛ گرچه زن ضمن وفاداری تام به اصول دینی و در چهارچوب احکام شرعی می‌تواند در تمام امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی مشارکت فعال داشته باشد؛ زیرا این حضور او به طور قطع با حفظ حجابش منافاتی ندارد.

۳-۵ دیدگاه روایات در باب تبرج و حجاب

اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) دین مدارا، منطق و اعتدال است؛ لذا از طرفی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به زنان متأهل دستور به رنگ کردن موها و به زنان غیر متأهل، سفارش به حنا بستن دست‌ها را می‌دادند و از طرفی دیگر آیات قرآن که همگی شأن و فلسفه نزول دارند، تبرج بی قید و شرط را به دلیل

تحمیل خسارت های گران بر اجتماع و اقتصاد مسلمین با نزول آیه «ولا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولى» (سوره احزاب، آیه ۳۳) نفی می فرمایند. اسلام، دینی است که پیامبرش به هنگام فراهم کردن جهیزیه دخترش، عطر را از جمله متاعها قرار می دهد؛ اما به مقوله آسیب های اجتماعی خودآرایی نیز توجه کرده و موارد سلبی آن را نیز گوشزد می فرماید. در کتاب های فقهی در ابوابی مانند: نماز، نکاح، حج و مواردی مثل: تدلیس ماشطه از تبرج بانوان سخن به میان آمده است. (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۱۷۵ و ۳۷۳) همچنین هر نوع فعلی که وجه زن را زیبا و جذاب نشان دهد از جمله: خالکوبی کردن، خوشبوکردن خود، سرمه کشیدن، خضاب کردن ابروها، کلاه گیس گذاشتن و غیره به عنوان زینت تعبیر شده است. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۷) نکته قابل توجه این است که برخی از فقها زینت بودن هر امری مانند رنگ لباس را به عرف مشروط می دانند (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۲۲، ص ۲۸۰) و برخی دیگر زینت بودن چیزی را به حسب افراد، زمان و مکان زندگی آنان متغیر و مختلف می دانند. (طباطبایی یزدی، ۱۴۳۰، ج ۶ ص ۹۸) همچنین به عقیده برخی فقهای معاصر نیز در زینت بودن مسائلی همچون تاتو کردن ابرو باید به عرف مردم رجوع کنیم. (لباس شهرت و احکام پوشش) لکن این پرسش قابل طرح است که با توجه به زیبایی های طبیعی و خدادادی زن، مکشوف بودن کدام عضو از بدن آن تبرج به شمار می آید؟ اغلب فقها می فرمایند: با توجه به اینکه همه جسم زن از محاسن خدادادی اوست، بنابراین پوشاندن همه بدن به جز صورت و کفین واجب شرعی است. (عراقی، ۱۴۱۹، ص ۲۴۹؛ بروجردی، ۱۴۲۶، ص ۱۲۳) باید توجه داشت که دین به شرطی که صورت و کفین عاری از هرگونه آراستگی باشند، جواز کشف داده است. استاد شهید در این باره می نگارد: مستثنی شدن صورت و کفین از حکم وجوب ستر به دلیل نبود ملاک عدم تبرج در آن دو نیست؛ بلکه به خاطر آن است

که به وجوب پوشش آن دو موجب عسر و حرج برای زن و سلب امکان فعالیت او می شود و الا زیبایی و دل فریب بودن آن دو کمتر از بقیه اعضای بدن زن نیست. (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۹۸)

۴-۵ اقسام تبرج در اسلام

۱) واجب: فقهای اثنی عشری آراستگی و تبرج زن برای همسرش را به دلیل وجوب ادای حق شرعی شوهر و وجوب اطاعت زن در مسئله تمکین واجب می دانند. (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۲۸؛ فلاح، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱) ۲) مستحب: به فتوای فقهای امامیه در صورت عدم طلب شوهر و حتی در وقت عده‌ی طلاق رجعی، تبرج زن برای شوهرش مستحب است. (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۰۳) ۳) تبرج حرام: به عقیده‌ی فقها آرایش زن در موارد زیر ذیل الذکر جایز نیست: یک: در زمان عده‌ی وفات همسرش. (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۲۲، ص ۲۷۶) دو: در حال احرام. (نجفی، همان، ج ۱۸، ص ۳۷۳) سه: برای جلب توجه نامحرم. (مفید، احکام النساء ۱۴۱۳ق، ص ۵۷) چهار: تدلیس. (زینتی که هدف از آن فریب خواستگار باشد) در این میان تبرج ملایم نیز مورد استفتاء قرار گرفته است که به برخی از فتواها در ذیل اشاره می شود: یک: زینت صورت و دست‌ها تا مچ اگر بسیار ملایم باشد و باعث مفسده ای نشود جایز است. (حکم آرایش زن در مقابل نامحرم پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی) دو: اگر زینت ملایم از نظر عرف تبرج محسوب شود، پوشاندن آن از نامحرم واجب است. (آرایش ملایم با حفظ حجاب پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری) سه: در صورتی که آرایش خفیف سبب تحریک نامحرم شود، جایز نیست. (روحانی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۲) چهار: پوشاندن زینت

و آرایش از نگاه نامحرم گرچه ساده و خفیف باشد واجب است. (خوئی، ۱۳۹۱، ص ۴۳۹)

۱-۴-۵ روایات در نفی تبرج برای غیر بعل

همانطور که بیان شد در تعالیم اسلامی ما گرایش فطری زنها به تبرج محترم شمرده شده و حتی در روایات معصومین بر تبرج مشروع تاکید فراوان نیز شده است؛ ولی همان تعالیم و روایات، زن را از خودآرایی برای غیر بعل خود منع کرده اند. در ادامه به چند روایت مرتبط با موضوع اشاره می کنیم: الف) فضیل در صحیحیه‌ی خود می گوید: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) «عن الذراعين من المراه هل هما من الزينه التي قال الله: ولا يُبدینَ زینتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ؟ قال: نَعَمْ» از حضرت صادق پرسیدم آیا دو دست (ساعد) زن از جمله زینت است که خداوند فرمود: و زینت خود را آشکار نسازید مگر برای شوهرانتان؟ فرمود: بلیه. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۴۵)

ب) حضرت صادق (علیه السلام) از نبی مکرم (صلی الله علیه وآله) روایت می کنند: «أیُ امرأه تطیبت وخرجت من بیتها فهبی تلعن حتی ترجع إلی بیتها متی ما رجعت» هر زنی که بوی خوش استعمال کند و از منزلش خارج شود مورد لعنت قرار می گیرد تا وقتی که به منزلش برگردد. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۱۴)

ج) پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در فرازی از روایتی می فرمایند: «إن من خیر نسائکم... المتبرجه من زوجها الحصان عن غیره» بهترین زنان شما زنی است که برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند ولی خود را از نامحرمان بپوشاند. (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵)

د) نبی مکرم (صلی الله علیه وآله) آراستگی و خودآرایی زن برای شوهرش را از حقوق وی بر همسرش برمی‌شمارد و می‌فرماید: «علیها أن تَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طَيِّبِهَا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا» بر زن (واجب) است که خود را با خوشبوترین عطرش، عطرآگین کند و زیباترین لباس هایش را بپوشد و خود را به نیکوترین شکل آرایش کند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۱۲)

۶. تبرج از نظر روانشناختی

از نظر روانشناختی خودآرایی یکی از نیازهای اصیل و فطری زن به شمار می‌آید و باید مورد تکریم و عنایت مرد قرار گیرد تا به دلیل بی‌اعتنایی او به این ضرورت فطری، زیان‌های روحی و ناهنجاری‌هایی که خلاف حیاست^۱ بر زن تحمیل نشود. (معین الاسلام و طیبی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۷) گذشته از زیبایی ذاتی زن و با توجه به این که غالباً فکر و روان مرد از طریق حس بینایی‌اش تحریک می‌شود، باید گفت که زن می‌تواند با پوشیدن جامه‌های نامناسب، آرایش صورت و رنگ کردن مو، استفاده از عطرهاى خوش، کلاه‌گیس و زینت‌های تصنعی دیگر مانند: النگو، پابند، گردنبند و غیره به آرایش بیشتری دست یابد. (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۲۰۶؛ اشتهاوردی، ۱۴۱۷، ص ۵۷) از نظر روانشناسان اضافه بر موارد فوق الذکر ترقیق صدا و یا مراده‌ی نزدیک زنان با مردان از طریق مکالمه و همنشینی با آنها و یا انجام کارهای ناسازگار با منش زن عقیف یا داشتن حالاتی مانند: تَغَنُّج، غَمَز و تَبَخَّر منجر به سلب وثوق جوانان به زن‌ها شده و تمایل آنها به تشکیل خانواده و ازدواج

^۱ حیا در لغت به معنای شرم آمده است. (قرشی ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۱۵) برخی، مراده‌ی زن با مرد همراه با حیا را عدم تبرج آن زن می‌دانند. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۶۸۶)

حلال را از بین می‌برد؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که مرد با دیدن تبرج زن و یا استشمام بوی خوش و یا شنیدن صدای نازک وی ذهنش گرفتار و شهوتش تهییج شده و آماده ارتکاب اعمال نامشروع خواهد شد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۸، ص ۵۴)

۷. تبرج در منابع حقوق اساسی ایران اسلامی

به حسب ظاهر در قانون اساسی ایران که برگرفته از قرآن کریم و احکام اسلام است به لفظ حریم و یا تبرج زنان تصریح نشده است؛ لکن به صورت ضمنی از حریم خصوصی دفاع کرده است. همچنین واژه‌ی تبرج را در لسان جرم شناسان و حوزه پزشکی قانونی و حتی روان شناسان هم می‌توان یافت. به عنوان مثال طبق ماده ۳ قانون مجازات اسلامی کلیه‌ی زنانی که در حیطه حاکمیت جمهوری اسلامی قرار دارند موظف به حفظ حجاب شرعی و شئونات اسلامی بوده و عواملی همانند آیین و ملیت نمی‌تواند تأثیری در این وظیفه داشته باشد. شکی نیست که با تحقق تبرج غیرشرعی به سلامت روانی و امنیت اخلاقی جامعه تعدی شده و این جرم در زمره جرایم عمومی قرار گرفته و پیگرد قانونی بزه‌کار نیازی به طرح شکوائیه از طرف شاکی خصوصی ندارد. اضافه می‌شود که ماده‌ی ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد، شخص متجاهر به فعل حرام در مرئی و منظر عموم مجرم است و ۱۰ روز تا ۲ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق مجازات می‌شود. ظاهراً این ماده مطلقاً تظاهر به هرگونه فعل حرامی اعم از فضای مجازی و حقیقی را مستلزم تعزیر

شرعی^۱ می‌داند. قابل توجه این است که تبصره‌ی همین ماده معین می‌دارد: تردد زنان در انظار و اماکن عمومی بدون پوشش اسلامی مستوجب حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه و یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی می‌باشد.

۸. بررسی حریم خصوصی بودن یا نبودن تبرج

مفهوم حریم خصوصی همواره در بین حقوق‌دانان محل تلاقی مناقشات و جدلیات حقوقی بوده و تغایر عقیده زیادی را به خود دیده است. در بین فقهای دینی هم اصطلاح حریم خصوصی نیز محل تضارب آراء است و نظر و عقیده واضحی از سوی آنان مطرح نشده است. فی الجمله می‌دانیم که در روایات دینی ما کلماتی با مدلول حق حریم خصوصی بیان شده است. بنابراین مفروض این است که با تعمق در این‌گونه نصوص دینی، مفاد صحیح حریم خصوصی را استخراج کرده و آنگاه بر معنای تبرج تطبیق دهیم. دانسته شده که حریم همان محدوده‌ای است که حراستش واجب و تعدی به آن ممنوع است. از دید فقها حریم، قلمرو شخص متعین بوده و اجتناب از آن برای دیگران لازم است. شاید بتوان گفت که حریم خصوصی حیطة‌ی معینی در حیات روزمره هر انسانی است که به حکم عقل، نقل، عرف و قانون محترم شمرده شده است. استاد شهید مطهری در این‌باره می‌فرماید: اسلام می‌گوید: نه حبس و نه اختلاط بلکه حریم. سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا(صلی الله علیه وآله) همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و

^۱. تعزیر عقوبتی است که خداوند آن را به جهت بازدارندگی در بین مکلفین مقرر فرموده است. این حکم درجایی که واجبی ترک شود و یا منکری حادث شود و در شرع مقدس برای آن کیفری ثابت نشده است، مقرر می‌شود. (حلبی، ۱۴۰۰، ۴۲۶)

مجامع منع نمی‌شده اند ولی همواره اصل حریم رعایت شده است. در مساجد و مجامع حتی در کوچه و معبر زن با مرد مختلط نبوده است. شرکت مختلط زن و مرد در برخی مجامع مانند مشاهد مشرفه که در زمان ما محل ازدحام فوق العاده است برخلاف مرضی شارع مقدس اسلام است. (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۱۹، ص ۵۵۱) در مورد اصطلاح تبرج از نظر حقوقی هم باید گفت که نمایش دادن زیبایی‌های ذاتی و مصنوعی زنانه به قصد برهم زدن امنیت روانی و اخلاقی جامعه مصداق تبرج بوده و برای آن در قوانین کشور مجازات و تعزیر مقرر شده است؛ اما از دیدگاه فقهی، تبرج، آشکار کردن جمال و محاسن برای نامحرم تبختر تغنج غمز و کمز همگی در مفهوم تبرج نهفته است؛ بنابراین هم در تعریف حریم خصوصی به مرزبندی‌های عرفی و قانونی دقت شده و هم در لسان روایات معصومین و آراء فقیهان درباره تبرج و شرایط آن قیودی مانند: وجوب یا استحباب تبرج زن برای شوهرش و یا حرمت تبرج زن در عده‌ی وفات او و یا در حال احرام و یا به قصد تدلیس و یا جذب نامحرم، لحاظ شده است. لذا می‌توان گفت که تبرج در حریم خصوصی و با حدود شرعی و قانونی یک حق محسوب می‌شود و کسی اختیار نهی از این حق را ندارد لکن باید توجه داشت که همین حق شرعی و قانونی منوط به التزام شرعی و قانونی است و فرد حق خروج از اصول شرعی و قانونی را ندارد. با عنایت به شرح فوق الذکر می‌توان عنوان کرد که هیچ فردی حق ندارد هر فعلی را مانند استعمال آرایش غلیظ در اماکن و معابر عمومی مرتکب شود و سپس ادعای داشتن حق حریم بکند؛ زیرا سابقاً بیان شد که از دیدگاه فقهی و حقوقی این امور نوعی تعدی به حقوق دیگر افراد جامعه بوده و با مبانی قانونی و عرفی در تناقض است.

نتیجه

اگرچه در شرع مقدس اسلام اصطلاحی به عنوان حریم خصوصی به صورت صریح استعمال نشده است؛ لکن در متون دینی ما اوامر و نواهی متعددی از جمله لزوم اجازه گرفتن قبل از ورود به منزل غیر، ممنوعیت استراق سمع، حرمت تجسس و سوءظن، عدم جواز اشاعه فحشا و نظایر آن که به نوعی بر آزادی‌های فردی و حق حریم خصوصی دلالت می‌نمایند، مطرح شده است. گرچه نبود تعریف واضحی از حریم خصوصی دست متتبع در این حوزه را قدری خالی کرده است؛ لکن فی الجمله می‌توان گفت که هر انسانی در زندگی شخصی خویش به حکم شرع و عقل و قانون دارای محدوده‌ای است که تجسس در آن را نمی‌پذیرد و از آن به حریم خصوصی تعبیر می‌شود. تعریف حقوقی از تبرج با تعبیر فقهی آن تفاوت چندانی ندارد. فقها تبرج حلال (آرایش برای شوهر) را مجاز می‌دانند. و برخی ویژگی‌ها را در تبرج یا زن متبرج که قبلاً بیان شد برمی‌شمارند؛ همچنین از مجموع روایات مرتبط با موضوع حریم استفاده می‌شود که رضایت زن متبرج در ورود نامحرم به فضای خصوصی او (به معنای حرمت‌شکنی و غمز و کمز و امثال این موارد) اعتباری نداشته و حفظ حریم از جسارت دیگران با رعایت تبرج در حیطة اوامر و نواهی شرعی بر زن واجب است؛ زیرا عکس آن موجب گسترش فساد و فحشا می‌شود. با توجه به آنچه پیرامون تطبیق مقوله حریم خصوصی بر تبرج زنان از منظر فقهی امام راحل و حقوق اساسی جمهوری اسلامی بیان شد، به طور خلاصه می‌توان به گزاره‌های زیر به عنوان نتیجه اشاره نمود:

۱. مفهوم حریم خصوصی بسیار معقد بوده و ظاهراً در علم حقوق برای آن تعریفی که جامع افراد و مانع اغیار باشد، وجود ندارد. بدین جهت حقوق‌دانان به شرح الاسم و بیان لغوی آن اکتفا کردند. حقیقت این است که مفهوم حریم خصوصی از عرف جامعه نشأت می‌گیرد نه اینکه واژه‌ای مأخوذ از شارع یا متشرعه باشد ضمناً از باب مسامحه می‌توان بین حریم خصوصی و عمومی تفصیل قائل شد ولی مقسم قرار دادن آن برای حریم عمومی صحیح نیست. اهل لغت درباره تبرج فی الجملة معنای خودنمایی و جلوه‌گری زن برای نامحرم را پذیرفتند.

۲. گرچه در فقه امامیه نسبت به حریم خصوصی تعریف صریحی ارائه نشده لکن با بیان‌های گوناگونی از آن دفاع شده است. ذات اقدس الهی در آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره‌ی نور، ۱۸۹ سوره بقره، ۱۲ و ۱۹ سوره حجرات و همچنین پیامبر اکرم و ائمه طاهرین در روایات زیادی به این موضوع پرداخته‌اند. در احادیث امامان معصوم ما وارد شده است که ناقض حریم افراد علاوه بر پذیرش کیفرش باید به درگاه اقدس الهی به جهت تعرض به حریم شخصی دیگران توبه کند. در آموزه‌های اسلامی علاقه‌ی زن به آرایش فطری معرفی شده است. ولی همان تعالیم و روایات زن را از خودنمایی و برای غیربعل خود منع کرده‌اند. بنابراین دستورات ایجابی و سلبی اسلام در باب تبرج همواره با اعتدال و درایت همراه بوده و حکمت تشویق و بازدارندگی دین در این زمینه به جهت صیانت از امنیت اخلاقی جامعه می‌باشد.

۳. نظرنهایی امام(رحمه الله): نظریه پردازان سیاسی و اجتماعی با شالوده فکری که بر پایه حوادث تاریخی و پندارهای غربی استوار است به مسئله‌ی حریم و حقوق بشر می‌پردازند لکن امام راحل صرفاً دانشمندی در علم سیاست یا حکیمی در علم

جامعه‌شناختی نیست بلکه در منصب فقهی دینی و سیاست‌مداری اسلامی و جامعه‌نگری متأله با تقید کامل به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) به موضوعات و مباحث می‌نگرد. امام خمینی از لحظه اول قیام درباره‌ی حقوق انسان‌ها و آزادی‌های فردی آنان اظهار نظر کردند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز از موضع رهبری جامعه اسلامی با صدور فرمان‌های مختلف از جمله فرمان ۸ ماده‌ای تلاش در عملی کردن اندیشه و آرمان‌های اسلامی در جامعه داشتند. مفهوم آزادی و حقوق بشر در اندیشه و سیره امام خمینی در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های متعدد ایشان مورد اشاره قرار گرفته است. در ضمن امام هر نوع جلوه‌گری برای نامحرم را مصداق تبرج و حرام می‌داند.

۴. دیدگاه قانون اساسی ایران: حریت و حریم هر دو حق مسلم انسان است و حتی برخی از حقوق‌دانان معتقدند که اصول ۲۲ و ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی ایران به صورت غیرمستقیم به این حق اشاره دارند؛ لکن این حق مطلق نبوده و به حکم عقل و نقل قابل نقض و محصور کردن است؛ لذا بر اساس تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی می‌توان استفاده‌کنندگان از پوشش غیر اسلامی در معابر و اماکن عمومی را تأدیب و عقوبت کرد و دادرس در مواردی که فاقد نص صریح در قوانین کیفری باشد، می‌تواند به اطلاقات قانونی یا اصل ۱۶۷ قانون اساسی استناد و تمسک کند باید اضافه شود که تبرج نامشروع تجاوز به سلامت روانی و امنیت اخلاقی جامعه است؛ این مسئله در باب حریم خصوصی و تبرج وجه تمایز منطق حقوقی اسلام از دیگر رژیم‌های حقوقی در شرق و غرب است.

در پایان اشاره می‌شود که تردیدی نیست که رژیم حقوقی جمهوری اسلامی ایران بالقوه توان و امکان کافی برای معالجه و مقابله با پدیده ناهنجار تبرج بیمارگونه در جامعه را دارد؛ ولی فقدان خط مشی دائم و اراده مصمم در بهره‌مندی از نیروی فرهنگی و عملیاتی منجر به راندمان نامقبول و گاهی سبب فشل نیروی اجرایی شده است.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا)، التحرير و التنویر، بی جا، بی نا
۲. ابن فارس، ابوالحسین احمد، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دارالفکر
۴. اسماعیل بن عباد، الصاحب، (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغه، بیروت، عالم الکتب
۵. اشتهاودی، علی پناه، (۱۴۱۷)، مدارک العروه، تهران، دار الاسوه
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱)، صحیح البخاری، بیروت، دار الفکر
۷. بروجردی، حسین، (۱۴۲۶)، تبیان الصلاه، تقریر شیخ علی صافی گلپایگانی، قم، گنج عرفان

۸. بهجت، محمد تقی، (۱۴۲۸)، استفتاءات، قم، دفتر مؤلف
۹. ثعلبی، احمد بن ابراهیم، (۱۴۲۲)، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی
۱۰. جصاص، احمد بن علی، (۱۴۰۵)، احكام القرآن، تحقیق محمد صادق قمحاوی، بیروت، دار إحياء التراث العربی
۱۱. جوهری فارابی، ابو نصر اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، محقق احمد عبد الغفور، بیروت، دار العلم
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)
۱۳. حلبی، ابو الصلاح تقی الدین بن نجم الدین، (۱۴۰۰)، الکافی فی الفقه، اصفهان، مکتبه امیرالمومنین(ع)
۱۴. حلّی، ابومنصور حسن بن یوسف المطهر، (بی تا)، تذکره الفقها، قم، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه
۱۵. ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۹۹)، عقاید استدلالی، قم، «هاجر» وابسته به مرکز مدیریت حوزه های خواهران
۱۶. سید قطب، قطب ابن ابراهیم، (۱۴۱۲)، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق

۱۷. صادق تهرانی، محمد، (۱۴۱۹)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی

۱۸. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۳۰)، العروه الوثقی، قم، موسسه السبطين (علیه السلام) العالمیه

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات

۲۰. طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶)، مجمع البحرین، تهران، کتاب فروشی مرتضوی

۲۱. عراقی، ضیاء الدین، (۱۴۱۹)، تعلیقه استدلالیه علی العروه الوثقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی

۲۲. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۰۸)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، قم، مکتب الاعلام الاسلامی

۲۳. فلاح، محمدرضا، (۱۳۹۳)، حکم آرایش زنان در فقه شیعه، پیام اجتهاد، زمستان شماره ۲

۲۴. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۴)، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت

۲۵. کلینی، محمد ابن یعقوب، (۱۳۶۳)، الکافی، بی جا، بی نا

۲۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۱۰)، بحار الانوار، بیروت، موسسه الطبع و النشر

۲۷. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۶)، مسئله حجاب، تهران، شرکت سهامی انتشار
۲۹.،، (۱۳۹۵)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا
۳۰. معین الاسلام، مریم؛ طیبی، ناهید، (۱۳۸۰)، روان شناسی زن در نهج البلاغه، قم، عطر سعادت
۳۱. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳)، احکام النساء، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید
۳۲. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۹۵)، استفتاءات، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۳۳.،، (۱۳۷۸)، صحیفه نور، تهران، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۳۴.،، (۱۳۹۲)، تحریر الوسیله، تهران، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۳۵. نجفی، محمد حسن، (۱۴۲۱)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، قم، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی

۳۶. هاشمی، حسین، (۱۳۸۶)، نقدی بر ماده ۶۳۸ ق.م.ا در جرم انگاری بدحجابی،

کتاب زنان، سال ۹، ش ۳۷